مجله برنامه و بودجه، شمارهٔ ۱۱، ص. ۵۷-۸۲.

یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی در ایران و کشورهای دیگر

نویسنده: سیدمحمد پورمرعشی*

چکیده

هر کشوری در هر سطحی از توسعه، در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی خود، برای حل معضل پراکنش زمینهای زراعی و دستیابی به توسعه پایدار، اصلاحات ارضی و یکپارچه‌سازی زمینها را ضروری می‌داند. تحقق توسعه پایدار در سطح ملی و توسعه یکپارچه روستایی در سطح محلی و ارتباط متقابل این دو، زمانی میسر است که در مطالعات، برنامه‌ریزیها و تصمیمگیریها، به پدیده یکپارچه‌سازی زمینهای زراعی توجه نمایند، به گونه‌ای که این امر مهم را همراه با طرحهای توسعه روستایی، به ویژه طرحهای زیربنایی آب و خاک، از قبیل احداث شبکه‌های آبیاری و زهکشی و تجهیز و نوسازی اراضی فاریاب انجام دهند. با چنین نگرشی، شرایط برای افزایش تولید در واحد سطح، بهبود وضعیت اجتماعی، بهبود مدیریت مزرعه، بهبود حفاظت خاک، کاهش هزینه نیروی انسانی، افزایش به کارگیری نهاده‌ها، تسهیل در به کارگیری ماشین‌آلات مناسب، صرفه‌جویی در مصرف آب، افزایش همکاریها، کاهش اختلاف و بالأخره بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فقر ناشی از یکپارچه‌سازی در روستا فراهم می‌آید، و در نهایت، دستیابی به توسعه روستایی و ملی، عینیت می‌یابد.

مقدمه

غالباً چنین می‌پندارند که زمین متصرفی هر کشاورز، صرف‌نظر از مساحت آن، به صورت یکپارچه

*کارشناس دفتر امور کشاورزی و عمران روستایی سازمان برنامه و بودجه

و در یک جا قرار دارد و به طور کلی، کشاورز تمام فعالیت زراعی خود را روی یک قطعه زمین انجام می‌دهد، چنین تصوری از وضع بهره‌برداری کشاورزی کشور و موقعیت زمین آنها به ندرت نمود عینی دارد، بلکه اغلب عکس این حالت مشاهده می‌شود. یعنی زمین آنان اغلب به صورت قطعات کوچک و جدا از هم است. این وضعیت، نه پدیده جدیدی است و نه خاص کشور ما، بلکه در نظام زمینداری بیشتر کشورها، از جمله در کشورهای اروپای غربی مانند آلمان غربی، فرانسه و ایتالیا، به نسبتهای مختلف وجود داشته اشت. برای مثال، "در آلمان غربی، یک مزرعه ۲۰ هکتاری، از ۲۸۳ قطعه جدا از هم تشکیل می‌شده است. در ابتدای قرن بیستم، سرزمین فرانسه، بیش از ۱۵۰ میلیون قطعه زمین پراکنده داشته است. در ساووای فرانسه، یک بهره‌برداری کشاورزی به وسعت ۱۰ هکتار و ۵۰ آر، به ۲۷۵ قطعه تقسیم شده است، کمون لواره فرانسه، به مساحت ۲۷۷۹ هکتار، از ۴۸۰۰۰ قطعه، و کمون سولزه، به مساحت ۷۴۱ هکتار، از ۴۱۴۰ قطعه تشکیل شده است.

پدیده کوچک بودن واحدهای تولیدی و پراکندگی زمینهای کشاورزی که ناشی از ساختار کشاورزی سنتی در کشور است، امروز به یکی از موانع اصلی در توسعه کشاورزی تبدیل شده است. وجود چنین محدودیتهایی موجب شده است که برنامه‌ریزان و مسئولان کشاورزی مملکت همواره در جستجوی راههای مقابله با چنین تنگناهایی باشند و عموماً به این نتیجه رسیده‌اند که با یکپارچه‌سازی قطعات بهره‌برداریهای دهقانی، و در پی آن، اجرای عملیات زیربنایی آب و خاک، از جمله تجهیز و نوسازی زمینها، شامل قطعه‌بندی، تسطیح، احداث جاده‌های بین مزارع و قطعات زراعی، و در صورت لزوم، احداث زهکشهای زیرزمینی، وضعیت مناسب برای توسعه بخش فراهم خواهد آمد. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله، نخست کلیاتی در مورد کوچکی و پراکندگی زمین در بهره‌برداریهای کشاورزی، اثر بازدارنده آن، ضرورت یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی، تعریف و مفهوم آن، و روند یکپارچه شدن زمینهای کشاورزی در کشورهای مختلف جهان ارائه می‌نماییم، سپس عملکرد طرح یکپارچه‌سازی زمینها، طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم.

منشأ کوچکی و پراکندگی قطعات زمین تحت بهره‌برداری کشاورزی

اجرای قانون اصلاحات ارضی طی دهه ۱۳۴۰، همراه با اقداماتی که در آستانه انقلاب اسلامی در

زمینه مالکیتهای ارضی کشور به وقوع پیوست، در مجموع، باعث گسترش بهره‌برداریهای دهقانی یا خرده مالکی (بهره‌برداریهای کمتر از ۱۰ هکتار) شد، به طوری که در سال ۱۳۷۰، تعداد این‌گونه بهره‌برداریها حدود ۳۰ درصد و مساحت زمینهای متعلق به آنها، حدود ۳۳ درصد نسبت به پیش از اصلاحات ارضی (سال ۱۳۳۹) افزایش یافت. با این حال، میانگین زمین این بهره‌برداریها، به رغم رشد جمعیت روستایی و اجرای قانون ارث، تغییر محسوسی نکرده و همچنان کوچک و در حد کمتر از ۳ هکتار باقی مانده است (جدول ۱).

شکل حادتری که در ساختار اراضی بهره‌برداریهای دهقانی، اهمیت بیشتری دارد، مسئله پراکندگی یا جدا بودن قطعات زمین تحت بهره‌برداری این گروه از کشاورزان است. چنین وضعیتی، یکی از ویژگیهای ساختاری کشاورزی سنتی ایران به شمار می‌آید که در نظام ارباب و رعیتی، بنابر مقتضیات طبیعی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است و به لحاظ مزیتهایی که در سازماندهی تولید زراعی و مدیریت جامعه روستایی داشته، تاکنون دوام یافته است، ولی با تغییراتی که طی دهه‌های اخیر در جامعه روستایی و بخش کشاورزی کشور به وقوع پیوسته است، امروزه به منزله مانعی اساسی در راه بهبود بهره‌برداری دهقانی به شمار می‌آید.

اثرهای بازدارنده پراکندگی زمینها

به رغم مزیتهای متعدد در بهره‌برداریهای دهقانی، از قبیل اشتغال‌زایی، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، تلفیق کار و زندگی، صرفه‌جویی در مصرف نهاده‌های تولید، پایین بودن هزینه‌های تولید و جلوگیری از اثرهای منفی زیستمحیطی و مانند اینها، کوچکی قطعات و پراکندگی زمین در این گونه بهره‌برداریها، باعث تضعیف این مزیتها می‌شود و از کارایی آنها به شدت می‌کاهد.

پراکندگی قطعات در بهره‌برداریهای زراعی، باعث می‌شود که استفاده از عوامل تولید با دشواری صورت گیرد. آب، به عنوان یکی از عوامل اصلی و کمیاب تولید در کشاورزی ایران، به علت عبور از بین قطعات متعدد و طی مسیرهای طولانی و غالباً اضافی، افت شدید پیدا می‌کند. به‌علاوه، حین آبیاری، اختلاف و منازعه را بین زارعان به وجود می‌آورد. کمبود آبی که از این طریق ایجاد می‌شود، خود به خود مقداری از اراضی را از چرخه کشت و تولید خارج می‌کند. پراکندگی قطعات، ناگزیر، با ایجاد مرزهای متعدد، راههای عبور اضافی، جویها و نهرهای مختلف در بین زمینها همراه است که هر کدام، مقداری از زمین کشاورزی را اشغال می‌کند و مانع کشت

جدول ۱. مقایسه بهره‌برداریهای کمتر از ۱۰ هکتار و کل در مقاطع پیش از اصلاحات ارضی و سال ۱۳۷۰

شرح	پیش از اصلاحات ارضی (۱۳۳۹)					
	بهره‌برداریها		مساحت زمین		میانگین مساحت هر بهره‌برداری (هکتار)	متوسط تعداد قطعات هر بهره‌برداری	متوسط مساحت هر قطعه (هکتار)
	هزار واحد	درصد	هزار هکتار	درصد			
بهره‌برداریهای کمتر از ده هکتار	۱۵۶۳	۸۳/۳	۴۵۳۸	۳۹/۹	۲/۹۰	۴/۹	۰/۵۹
مجموع	۱۸۷۷	۱۰۰	۱۱۳۵۶	۱۰۰	۶/۰۵	۶/۱	۰/۹۹

شرح	۱۳۷۰						
	بهره‌برداریها		مساحت زمین		میانگین مساحت هر بهره‌برداری (هکتار)	متوسط تعداد قطعات هر بهره‌برداری	متوسط مساحت هر قطعه (هکتار)
	هزار واحد	درصد	هزار هکتار	درصد			
بهره‌برداریهای کمتر از ده هکتار	۲۰۳۳	۷۷/۶	۶۰۵۷	۳۲/۳	۲/۹۸	۴/۰۱	۰/۷۴
مجموع	۲۶۲۰	۱۰۰	۱۸۲۱۶	۱۰۰	۶/۹۵	۵/۳	۱/۳۳

شرح	تغییرات (درصد)				
	بهره‌برداریها	مساحت زمین	میانگین مساحت هر بهره‌برداری	متوسط تعداد قطعات هر بهره‌برداری	متوسط مساحت هر قطعه
بهره‌برداریهای کمتر از ده هکتار	۳۰/۰۷	۳۳/۴۷	۲/۷۵	-۱۸/۱۶	۲۵
مجموع	۳۹/۸۵	۶۰/۴۱	۱۴/۸۷	-۱۳/۱۱	۳۴/۳۴

مأخذ: منبع ۴.

روی آن می‌شود. پراکندگی قطعات، مراقبتها و فعالیتهایی را که برای تولید در هر قطعه لازم است، محدود یا گاهی ناممکن می‌سازد، همچنین تردد زارعان را از بین قطعات یکدیگر افزایش می‌دهد، و به همان نسبت، امکان بروز اختلاف و مشاجره را میان کشاورزان همجوار فراهم می‌آورد. پیامدهای چنین وضعیتی، اتلاف وقت و انرژی، تحمل زیانهای مالی و تضعیف همبستگیهای اجتماعی در جامعه روستایی است که کاهش تولید و درآمد را نیز در پی دارد. در این وضعیت، هم به لحاظ پراکندگی و هم به لحاظ حقوقی، سرمایه گذاری را، به ویژه در امور زیربنایی، از قبیل تسطیح زمین، ایجاد جاده‌های بین مزارع و قطعات زراعی و زهکشی و اصلاح و ترمیم شبکه‌های آبرسانی که مستلزم هزینه‌های بیشتر و فعالیت طولانی‌تر است، دشوار می‌سازد. از نظر حقوقی - با آنکه سهم هر مالک از مجموع ملک مشخص است، اما حدود و ثغور هر ملک به طور رسمی مشخص نشده و فاقد سند رسمی مالکیت مفروز است. این وضعیت، به نوعی بلاتکلیفی یا عدم قطعیت مالکیتها انجامیده و انگیزه سرمایه گذاری را تا حد زیادی کاهش داده است. علاوه بر مشکل حقوقی (مالکیت مشاع)، مشکل مهمتر، پراکندگی قطعات زمین کشاورزان است. با توجه به اینکه سرمایه گذاریهای اولیه و اساسی به امور زیربنایی اختصاص دارد و این نوع سرمایه گذاریها، مستلزم برخورداری از زمینهای یکپارچه بزرگ است تا هم به لحاظ فنی و هم به لحاظ اقتصادی توجیه‌پذیر باشد، بنابراین، پراکندگی قطعات، سرمایه گذاریهای زیربنایی و اصولی در این زمینها را ناممکن ساخته است. به بیان دیگر، عدم سرمایه گذاری لازم در زمینها، به معنای ادامه فعالیت کشاورزی به شیوه‌های سنتی با درآمد کم و اغلب با بهره‌وری پایین است.

ضرورت یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی

هم اکنون، حدود دو سوم زمینهای قابل کشت کشور، زمینهایی است که غالباً تحت مالکیت هر فرد به صورت قطعات کوچک و به شکلهای غیر هندسی در سطح مزرعه پراکنده می‌باشد. این ویژگی، به انواع گوناگون، موجب ایجاد اختلال در بهره‌برداری از زمین و سایر عوامل تولید می‌شود. مهمترین مشکل، عدم امکان استفاده صحیح و کارآمد از ماشین‌آلات و روشهای جدید کشاورزی است. در اثر پراکندگی قطعات، عوارض و موانع متعددی در زمینه استفاده از آب، زمین، نیروی کار، وسایل حمل و نقل و جز اینها وجود دارد که توسعه کشاورزی را دشوار ساخته است، به طوری که اثرهای زیانبار پراکندگی قطعات در روند انتقال کشاورزی از وضعیت سنتی به نوین به تدریج

مشهود گردیده و ابعاد وسیعتری می‌گیرد. این ابعاد نیز با گسترش ارتباط بین روستاها و شهرها و شکل‌گیری بازارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی وسعت بیشتری پیدا می‌کند. بدین روی، از این پس ایجاب می‌نماید که تولید کشاورزی با مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق، استفاده از تکنولوژی و دستاوردهای علمی، صرف هزینه کمتر و با تأکید و توجه به حفظ منابع آب و خاک و مسائل زیستمحیطی انجام گیرد. اما پراکندگی قطعات پدیده‌ای است که در روند تحول کشاورزی سنتی به نوین، مانع تحقق این امر می‌شود و توسعه کشاورزی را بسیار دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد. بنابراین، با توجه به مسائل یادشده در جهت استفاده هر چه بیشتر از ظرفیتها و امکانات موجود، لازم است که در حد امکان، زمینهای کشاورزان در یک جا جمع شود و قطعات به شکل هندسی و هماهنگ با شبکه‌های آبیاری و زهکشی موجود یا در حال احداث، طراحی، و همراه با عملیات زیربنایی ضروری در سطح مزارع موردنظر ساماندهی شود. بنابراین، می‌توان گفت که یکپارچه‌سازی زمینها، نخستین اقدام فنی و اجتماعی در عملیات زیربنایی کشاورزی به شمار می‌رود. اجرای عملیات تسطیح زمینها، ایجاد شبکه‌های آبیاری و زهکشی و پیاده‌سازی نظامهای مناسب بهره‌برداری و تولید در مزارع پس از یکپارچه‌سازی و جابه‌جایی زمینها انجام می‌شود. تا وقتی که چنین عملیاتی در سطح مزارع و زمینها اجرا نشود، استفاده درست از منابع آب و خاک و افزایش تولید محصولات کشاورزی در واحد سطح و اعمال مدیریت و ارتقای سطح تکنولوژی کاربردی در مزارع، بسیار کم خواهد بود.

اقدامات یکپارچه‌سازی قطعات زراعی در کشورهایی چون اسکاندیناوی (سوئد، نروژ و دانمارک) از مدتها پیش شروع شده است. برای مثال، سوئد در سال ۱۷۵۷ و دانمارک در سال ۱۷۸۱، نخستین قانون اصلاح پراکندگی زمینها را وضع کردند. در پاکستان و هند نیز که این مشکل را داشته‌اند از سالهای ۱۹۲۰ به یکپارچه‌سازی قطعات پرداخته‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۴۶، در حدود ۶۶۰۰۰۰ هکتار از زمینها، یعنی تقریباً ۵ درصد از منطقه قابل کشت پنجاب، مشمول برنامه تمرکز اراضی شد که در ۵۰۸۰۰۰ هکتار آن، فقط از طریق تعاونی، یک میلیون و ۸۲۵۰۰۰ قطعه زمین و مزرعه به ۲۸۶۰۰۰ قطعه تبدیل شده است.

تعریف و مفهوم یکپارچه‌سازی

یکپارچه‌سازی زمین در موارد خاصی، به شکلهای مختلف، در کشورها، از جمله کشور ما، صورت

گرفته است.

یکپارچه‌سازی را می‌توان به لحاظ عاملان اجرای آن، در دو طبقه کلی یکپارچه‌سازی خودجوش و یکپارچه‌سازی غیر خودجوش جای داد. در یکپارچه‌سازی خود جوش، عامل اصلی اجرا، کشاورزان ذی‌ربط هستند. در این موارد، خود کشاورزان دست به اقدام می‌زنند و فعالیتهای مختلف، اعم از سازماندهی، ترغیب دیگران، و جلب مشارکت افراد ذی ربط را در مراحل مختلف کار انجام می‌دهند. روشهای مناسب یکپارچه‌سازی نیز با اتکای به نیروهای داخلی روستا انجام می‌گیرد. این نوع یکپارچه‌سازی، پس از اصلاحات ارضی، در برخی از روستاهای کشور اجرا شده است.

در یکپارچه‌سازی غیر خودجوش، نقش عوامل غیربومی بسیار تعیین‌کننده است. در اقداماتی که در دو دهه اخیر، به ویژه در برنامه‌های اول و دوم توسعه، در زمینه یکپارچه‌سازی زمینهای کشور صورت گرفته است، نقش عوامل بیرونی (دولتی) بسیار برجسته بوده، به طوری که سازماندهی و تمشیت امور، بیشتر برعهده دولت و عوامل اجرایی آن بوده است.

یکپارچه‌سازی، از نظر سطوح مختلف و ابعاد اجرایی آن نیز چند نوع است:

یکپارچه‌سازی کامل[1]، در سطح خانوار - در این نوع یکپارچه‌سازی، قطعات پراکنده تحت تملک خانوارها با تعویض و جابه‌جایی مکرر قطعات، چنان کاهش می‌یابد که در نهایت به یک قطعه یکپارچه برای هر خانوار تبدیل می‌شود. این نوع یکپارچه‌سازی با توجه به شرایط طبیعی و توپوگرافی زمین (پستی و بلندی، جنس خاک و جز اینها) و همچنین نوع زمینها و کاربری آن (آبی، دیم و باغ) به ندرت در روستاهای ایران اتفاق افتاده است.

یکپارچه‌سازی ناقص[2] یا تحدید قطعات - در این حالت، ممکن است فقط چند خانوار یا حتی تمام خانوارهای زمیندار یک روستا، تعدادی از قطعات یا حتی تمام قطعات تحت تملک را آن‌چنان با هم معاوضه یا معامله نمایند که میانگین تعداد قطعات هر یک از آنها تا حد زیادی کاهش یابد، به طوری که زمین هر خانوار به چند قطعه بزرگتر تبدیل شود. اما چون به رغم کاهش تعداد قطعات زمین هر خانوار، یکپارچگی کامل تحقق نمی‌یابد، تحت این عنوان نامیده می‌شود. این شکل از یکپارچگی در روستاهای ایران بیشتر متداول است.

1. Perfect Land Consolidation
2. Imperfect Land Consolidation

ادغام زمینها[1] -گاهی ممکن است مرزهای بین قطعات زراعی برداشته شود و تعدادی از بهره‌برداریهای کوچک، یک بهره‌برداری بزرگتر را به وجود آورند. این نوع یکپارچگی، به شکلهای مختلفی وجود دارد، در برخی از آنها تمام مراحل تولید و حتی فروش محصولات، به صورت گروهی (تعاونی) انجام می‌گیرد. اتوشیلر، این نوع تعاونی را تعاونی کشاورزی و کامل و متمرکز می‌نامد. در حالی که در شکلهای دیگر، تنها برخی از فعالیتها به صورت گروهی است و بقیه آنها به شکل انفرادی یا خانوادگی انجام می‌گیرد. در نوع اخیر، هدف اصلی، بهره‌برداری مشترک از زمین نیست، بلکه بیش از همه، افزایش تولید مورد نظر می‌باشد. به همین سبب، تعاونی افزایش تولید کشاورزی نامیده می‌شود.

در یکپارچه‌سازی، به ویژه با دخالت دولت، ممکن است سطوح وسیعتری از یک روستا مدنظر باشد. برای مثال، در ایجاد یک شرکت تعاونی تولید یا یک شرکت سهامی زراعی، دامنه شمول از سطح یک روستا فراتر رفته و زمینهای چندین روستای مجاور را دربر می‌گیرد، این نوع یکپارچه‌سازی نیز به ادغام زمینها معروف است، با این تفاوت که اغلب توسط دولت به اجرا درمی‌آید.

یکپارچه‌سازی نسق زارعان یا یکپارچه‌سازی قطعات اراضی زراعی تحت بهره‌برداری زارعان که به صورت خود جوش یا با دخالت دولت به اجرا در می‌آید. در این صورت، زمین تحت بهره‌برداری (یا مالکیت) بهره‌بردار، می‌تواند به صورت یک قطعه (یکپارچه کامل) یا چند قطعه (اما کمتر از تعداد آنها قبل از یکپارچگی) باشد.

روند یکپارچه‌شدن زمینهای کشاورزی در کشورهای مختلف

اصولاً پس از انجام اصلاحات ارضی در هر کشور، اقتصاد کشاورزی خرده مالکی (دهقانی) در سطح روستاهای آن کشور گسترش پیدا نموده است. اما تحول این اقتصاد به سمت یکپارچه شدن جدید زمینها و به نظام کشیدن آنها به صورتهای مختلف در کشورها انجام گردیده است. این تحول، در بعضی کشورها به طور ناقص و پراکنده، در برخی محلها انجام شده است، در حالی که در تمام کشورهایی که امروزه دارای کشاورزی پیشرفته‌ای می‌باشند، پس از انجام اصلاحات ارضی، این مرحله با موفقیت پشت سرگذاشته شده است.

1. Land Amalgamation

به طور کلی، تمام کشورهای جهان طی این مرحله به سه صورت زیر گام برداشته‌اند:

۱. کشورهای پیشرفته صنعتی که دارای اقتصاد آزاد کشاورزی می‌باشند

در این قبیل کشورها، پس از نابودی کامل نظامهای اربابی و سنتی (فئودالی) سیاستهایی به کار گرفته شد که هدف آنها کاستن تعداد واحدهای کشاورزی و افزایش ابعاد بوده است، و در نتیجه، هم بازده کشاورزی به درجه بالاتری ارتقا یافت و هم نیروهای آزاد شده، شاغلان بخش صنعت و خدمات را تشکیل داده‌اند. برای مثال، تعداد شاغلان بخش کشاورزی در کشورهای مشترک‌المنافع اروپایی طی ۲۰ سال، از ۱۹ میلیون نفر، به ۸/۷ میلیون نفر کاهش یافته است، در همین زمان، از تعداد واحدهای یک تا ۲۰ هکتاری، به طور پیوسته کاسته شده و تعداد واحدهای ۲۰ هکتار به بالا افزایش چشمگیر یافته است، به طوری که در سال ۱۹۸۰، بیش از ۷۱/۵ درصد واحدهای کشاورزی را شامل می‌شده است.

در فرانسه، ۷۵ درصد کل زمینهای زیرکشت و در آلمان غربی دو سوم زمینهای زیرکشت را مزارع بزرگ تشکیل می‌دهند. در ایالات متحده آمریکا، تنها ۴ درصد جمعیت کشور در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. میزان محصولات تولید شده در این کشورها، ارقام بسیار بالایی است، به طوری که علاوه بر تأمین داخلی، مقدار زیادی از محصولات مختلف، از جمله غلات، به کشورهای دیگر صادر می‌گردد.

۲. کشورهای پیشرفته صنعتی که دارای اقتصاد برنامه‌ریزی شده و متمرکز باشند

سیاست کلی این کشورها در جهت دولتی شدن عوامل تولید قرار دارد. برای مثال، در یوگسلاوی سابق، به رغم سعی دولت که در نظر داشت مزارع اشتراکی به وجود آید، مالکیت خصوصی در بخش کشاورزی شکل گرفت، به طوری که تعداد مزارع اشتراکی در آن کشور انگشت شمار بودند. حداکثر زمین کشاورزان ۱۰ هکتار بود و شرکتهای تعاونی توزیع و مصرف در بخش کشاورزی وجود داشت و از آنجا که کشاورزی بر پایه خرده مالکی بنا شده بود، باروری آن بسیار کم بود.

به سال ۱۹۴۹، اقتصاد چین، به طور کلی، اقتصادی نیمه فئودالی بود و هشتاد درصد مردم در کشاورزی اشتغال داشتند. در این سال، مالکان و دهقانان مرفه، کمتر از ۱۰ درصد جمعیت کشاورز را تشکیل می‌دادند، ولی ۷۰ درصد زمینها را صاحب بودند. در سال ۱۹۵۲ که اصلاحات

ارضی به پایان رسید، ۳۰۰ میلیون دهقان، صاحب زمین شدند. در برنامه پنجساله (۱۹۵۳-۱۹۵۷) چینیها به اشتراکی کردن مزارع سرعت بخشیدند. در سال ۱۹۵۷، نخستین و مهمترین دگرگونی، که با راهبرد "جهش بزرگ به جلو" صورت گرفت، ایجاد کمونهای خلق بود. در نتیجه، ۷۵۲۰۰۰ مزرعه اشتراکی در ۲۶۵۰۰ کمون تجدید سازمان یافتند. هر مزرعه اشتراکی، به طور متوسط، ۱۵۸ خانوار روستایی را دربرمی‌گرفت.

در شوروی سابق، پس از تقسیم زمین میان کشاورزان در سال ۱۹۲۰، حدود ۴۳ درصد کشاورزان روی زمینهایی که کمتر از ۲ هکتار بودند و ۳۷ درصد آنها روی زمینهای ۲ تا ۴ هکتاری و ۲۰ درصد آنها روی زمینهای ۴ تا ۶ هکتاری زراعت می‌کردند. از این رو، ناگزیر بودند که ابزار کار کشاورزی را اجاره کنند. در نوامبر ۱۹۲۹، دولت، سیاست اشتراکی کردن مزارع را به این منظور که وسیله‌ای برای افزایش تولید کشاورزی باشد، اعلام کرد. در آغاز، سطح تولید کشاورزی پایین آمد، ولی در سال ۱۹۳۰-۱۹۳۱، سهم دولت دربرداشت محصول به دو میلیون و ۲۱۰۰۰۰ تن رسید که دو برابر سهم دولت در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ بود. میزان بهره‌برداریهای اشتراکی شده، از ۳/۹ درصد در سال ۱۹۲۹، به ۶۱/۵ درصد در سال ۱۹۳۲ و ۹۳ درصد در سال ۱۹۳۷ رسید.

در بلغارستان، عموم مزارع دهقانان به صورت تعاونی اداره می‌شود، به طوری که به سال ۱۹۵۰ قریب به نیمی از کشاورزان کوچک بلغاری در ۲۵۰۰ تعاونی متشکل شدند. در سال ۱۹۵۷-۱۹۵۸، روند ایجاد تعاونی در بلغارستان به ۹۷ درصد رسید.

۳. کشورهای در حال توسعه

کشورهای جهان سوم که دارای تنوع فراوانی در ساختار اقتصادی، اجتماعی می‌باشند، غالباً از نظر کشاورزی در مراتب پایینی از تولید قرار دارند. کلید نابسامانی نظام کشاورزی در ورود استعمار به این کشورها، و در نتیجه، به هم ریختن ساختار سنتی و شکل‌گیری آن در جهت منافع کشورهای استعمارگر بوده است. بدین روی، در بیشتر این کشورها، که هنوز به طور کامل استقلال نیافته‌اند، نهادهای کهنه در کنار نهادهای جدید اقتصادی همزیستی یافته است. در نتیجه، ساختار اقتصادی به طور عام و ساختار کشاورزی به طور خاص، همگن و مناسب نیست. در این مورد، کشورهایی که در جهت تجدید ساختار کشاورزی و بهبود وضعیت کشت از طریق نوآوری و یکپارچه‌سازی زمینهای سنتی حرکت کرده‌اند، دستاوردهایی داشته‌اند. برای مثال، در کشور مصر، در سال ۱۹۵۲

که قانون اصلاحات ارضی به تصویب رسید، از همان آغاز شرکتهای تعاونی با نظارت دولت پدید آمد. نقش این شرکتها، انجام دو وظیفه مهم بود که قبلاً به عهده مالک قرار داشت. یکی سازماندهی تولید و دیگری فروش محصول. عضویت در این تعاونی برای کسانی که صاحب زمین شده بودند، اجباری بود. تمام تعاونیها تشکیل یک مجمع را داده و این مجمعها زیر نظر اتحادیه تعاونی کشور فعالیت می‌کردند. طی سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۰، تعداد تعاونیهای مزبور، از ۱۸۷ به ۵۰۱۳ عدد، افزایش یافت. طبق قوانین، تعاونیهای مزبور از قواعدی چون یک کاسه کردن کشت، تناوب سه ساله و همکاری در فعالیتهای کشاورزی پیروی می‌کردند.

در الجزایر هم پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۹۷۱ و پس از طی مرحله دوم آن، بخشی از زمینهای تقسیم شده در ۵۰۰۰ تعاونی تولید سازمان یافتند و بخشی دیگر هم در واحدهای خودگردان دارای مالکیت جمعی (سطح هر یک به طور متوسط ۱۰۰۰ هکتار) سازمان یافتند. شکل دیگر یکپارچه‌سازی هم از طریق ایجاد روستاهای تعاونی در الجزایر بوده است. در این روستاها کار روی زمینهای هر روستا به صورت گروهی انجام شده و درآمد حاصل از آن، به نسبت کار بین اعضا تقسیم می‌گردیده است.

در کشورهای دیگر، از قبیل برمه، تانزانیا، ویتنام، لیبی و به تازگی موزامبیک و اتیوپی هم تعاونیهای روستایی به موازات واحدهای دولتی به شکلهای مختلف به وجود آمده و در حال پیشرفت است. برای مثال، در ویتنام، تا سال ۱۹۷۲، تعداد خانوارهای عضو تعاونی کشاورزی نسبت به کل خانوارهای روستایی ۹۵/۷ درصد بوده است و مساحت زمینهای آنها نیز از ۶۸/۱ درصد در سال ۱۹۶۰، به ۹۲/۲ درصد در سال ۱۹۶۸ رسیده است. طی همین مدت، ۴۸ شبکه آبیاری بزرگ در این زمینها ایجاد شده که بیشتر از تمام شبکه‌های احداث شده در تاریخ آن کشور بوده است.

در جمهوری مالی، پس از کسب استقلال، شبکه گسترده‌ای از تعاونیها برای کشت مشترک زمین و فروش محصولات این تعاونیها و خرید کالاهای شناخته شده، تشکیل گردیده است.

بخش اعظم زمینهای کشاورزی لیبی، پیش از انقلاب، در دست استعمارگران ایتالیایی و خاندان سلطنتی و منسوبان به آنها بود که پس از انقلاب، بی‌درنگ مصادره شد. اکنون کشاورزی لیبی را عمدتاً دولت اداره می‌کند. دولت لیبی که نمی‌خواهد اقتصاد کشور تنها به درآمد نفت متکی باشد، در زمینهای ملی شده کشور و به کمک سرمایه‌گذاری دولتی، واحدهای پیشرفته تولید

کشاورزی ایجاد کرده است. هر واحد زمین تا زمانی به دهقان تعلق دارد که روی آن مشغول به کار باشد.

دولت کوبا، در نخستین سال پیروزی انقلاب (۱۹۵۹) املاک چندین هزار هکتاری اشراف کوبایی و املاک گروه مورگان و راکفلر را مصادره کرد. سه سال بعد نیز از املاک بیش از ۶۶۰ هکتار سلب مالکیت نمود و آنها را به موازات ایجاد تعاونیها به روستاییان واگذار کرد.

یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی در ژاپن

ژاپن با مساحت ۳۸/۷۸ میلیون هکتار، از ۶۸۰۰ جزیره کوچک و ۴ جزیره بزرگ، به نامهای هوکایدو (به وسعت ۸/۳۵ میلیون هکتار)، هونشو (به وسعت ۲۳/۰۹ میلیون هکتار)، شیکوکو (به وسعت ۱/۸۸ میلیون هکتار) و کیوشو (به وسعت ۴/۲۱ میلیون هکتار) تشکیل شده است. ۷۳ درصد از مساحت کشور را کوهها فرا گرفته و ۲۷ درصد بقیه نسبتاً مسطح می‌باشد. جمعیت کشور نیز در سال ۱۹۹۰ برابر ۱۲۷ میلیون نفر اعلام شده است.

زمینهای کشاورزی ژاپن حدود ۱۴ درصد از کل مساحت کشور است که طی سالیان گذشته تاکنون روند نزولی داشته، به طوری که از ۶/۰۷ میلیون هکتار در سال ۱۹۶۰، به ۵/۳۲ میلیون هکتار در سال ۱۹۸۸ رسیده است. تعداد خانوار کشاورز در این کشور روند نزولی داشته و از ۶/۰۶ میلیون در سال ۱۹۶۰، به ۴/۲۴ میلیون در سال ۱۹۸۸ رسیده است.

متوسط میزان زمینهای کشاورزی برای هر خانوار کشاورزی در ژاپن ۱/۲ هکتار می‌باشد که ۱۵ برابر کوچکتر از کشورهای بازار مشترک اروپاست. شمار کشاورزانی که دارای کمتر از یک هکتار زمین می‌باشند به حدود ۷۰ درصد می‌رسد.

جدول ۲. تعداد خانوار کشاورز و زمینهای تحت کشت آنها در سال ۱۹۸۴ در ژاپن

اندازه	کمتر از یک هکتار	۱-۲ هکتار	۲-۳ هکتار	بیش از ۳ هکتار
تعداد خانوار	۳۰۴۳۰۰۰	۵۹۳۰۰۰	۲۵۳۰۰۰	۱۱۲۰۰۰
درصد به کل	٪۶۹/۸	٪۲۱/۹	٪۵/۸	٪۲/۶

مأخذ: منبع *.

کشاورزان ژاپنی، از نظر فعالیت و میزان درآمد، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) کشاورزان تمام وقت که کل درآمد آنها از بخش کشاورزی تأمین می‌گردد.

ب) کشاورزان نیمه وقت اولیه که علاوه بر بخش کشاورزی، در بخشهای دیگر هم فعالیت دارند، ولی درآمد آنها از بخشهای دیگر، از درآمد بخش کشاورزی بیشتر است.

ج) کشاورزان نیمه وقت ثانویه، علاوه بر بخش کشاورزی، در بخشهای دیگر نیز فعال هستند، ولی درآمد آنها از بخش کشاورزی بیشتر است. تقریباً ۸۵ درصد از کل کشاورزان ژاپن به صورت نیمه‌وقت و بیشتر آنها در مزارع کوچک فعالیت دارند. امروز کشاورزان تمام وقت با خریدن یا اجاره کردن زمینهای دیگران، در صدد افزایش میزان سطح زمینها و اقتصادی نمودن آن می‌باشند. قیمت زمین در ژاپن بسیار بالاست و امکان خرید به وسیله سایر کشاورزان وجود ندارد، به همین دلیل، اجاره زمین رواج بیشتری دارد.

عملیات اصلاح و یکپارچه کردن زمینها در ژاپن از سال ۱۹۶۱، با تصویب قانون در این زمینه، شروع شد. براساس این قانون، اگر در منطقه‌ای دو سوم زارعان حاضر به اجرای یکپارچه‌سازی زمینها باشند، طرح به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. از آغاز تاکنون، ۴۹ درصد از زمینهای کشاورزی هوکایدو و ۴۸/۵ درصد از کل زمینهای کشاورزی ژاپن یکپارچه شده و بقیه در دست اقدام است.

در قانون یکپارچه‌سازی زمینها، کاربرد ماشین‌آلات بزرگ مورد توجه قرار گرفته است. در ابتدای کار، اندازه آنها حداکثر به ۳۰۰۰ مترمربع می‌رسد. هم اکنون در هوکایدو حداکثر اندازه آنها به ۵ هکتار نیز رسیده است.

برنامه بلند مدت دولت ژاپن در زمینه اصلاح زمینها

پس از تصویب قانون اصلاح زمینها در سال ۱۹۶۱ و انجام اصلاحاتی در آن در سال ۱۹۶۴، دولت ژاپن کار یکپارچه‌سازی زمینها را در قالب پروژه‌های تسطیح، کانالهای آبیاری و زهکشی، جاده‌بین مزارع و اصلاح ساختارهای روستایی، در قالب سه برنامه دهساله با هدفهای مشخصی از سال ۱۹۶۵ آغاز نموده که خلاصه آن به شرح جدول ۳ می‌باشد.

جدول ۳. هدف برنامه بلندمدت یکپارچه‌سازی زمینها در ژاپن

(هزار هکتار)

مراحل	فاز ۱	فاز ۲	فاز ۳
دوره	۱۹۷۲-۱۹۶۵	۱۹۸۲-۱۹۷۳	۱۹۹۲-۱۹۸۳
مساحت یکپارچه‌سازی زمینها	۸۵۰	۱۲۰۰	۱۰۰

مأخذ: منبع ۳.

طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران

نظر به اینکه عدم یکپارچگی زمینهای کشاورزی در سطح کشور، دشواریهای فراوانی در مسیر تولید محصولات کشاورزی ایجاد کرده است، در برنامه اول توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، اجرای عملیات یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی در سطحی معادل یک میلیون هکتار، در قالب طرحی با عنوان "یکپارچه‌سازی اراضی" به شماره طبقه‌بندی ۴۰۱۰۱۳۰۹، از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۲ در قوانین بودجه سنواتی پادار گردید. با این هدف که با اجرای این فعالیتها، عملیات کاشت، داشت و برداشت آسانتر شود و امکان مکانیزه کردن کشاورزی، و در نهایت، افزایش محصول در واحد سطح و کاهش هزینه‌های تولید و افزایش کلی محصولات کشاورزی فراهم گردد.

هدفهای کمی واعتبارات پیش‌بینی شده طرح یکپارچه‌سازی در برنامه‌اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

منابع تأمین اعتبار برای رسیدن هدفهای کمی موردنظر به شرح جدول ۴ برآورد شده بود.

از محل درآمد عمومی	۶۰ درصد
از محل آورده اشخاص (بهره‌برداران)	۲۰ درصد
از محل منابع بانکی	۲۰ درصد

ارز پیش‌بینی شده، با نرخ برابری هر دلار معادل ۷۰ ریال، برای خرید اقلام سرمایه‌ای، شامل ماشین‌آلات موردنیاز، تجهیزات نقشه‌برداری و جز اینها در نظر گرفته شده بود.

ماشین‌آلات و تجهیزات موردنیاز طرح نیز به شرح جدول ۵ پیش‌بینی و برآورد گردیده بود.

جدول ۴. هدفهای کمی و اعتبارات طرح، طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲

سال برنامه	سطح زیر پوشش هکتار	اعتبارات مورد نیاز (میلیون ریال)				
		دولتی	آورده شخص	منابع بانکی	جمع	جزء ارزی
۱۳۶۸	۱۵۰۰۰۰	۵۴۰۰	۱۸۰۰	۱۸۰۰	۹۰۰۰	۴۰۰۰
۱۳۶۹	۲۰۰۰۰۰	۷۲۰۰	۲۴۰۰	۲۴۰۰	۱۲۰۰۰	۱۳۵۰
۱۳۷۰	۲۰۰۰۰۰	۷۲۰۰	۲۴۰۰	۲۴۰۰	۱۲۰۰۰	-
۱۳۷۱	۲۰۰۰۰۰	۷۲۰۰	۲۴۰۰	۲۴۰۰	۱۲۰۰۰	-
۱۳۷۲	۲۵۰۰۰۰	۹۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۳۱۰
جمع	۱۰۰۰۰۰۰	۳۶۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰	۶۰۰۰۰۰	۶۶۶۰

مأخذ: منبع ۵.

جدول ۵. تعداد ماشین‌آلات و تجهیزات موردنیاز طرح، طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲

ل برنامه	گریدر	اسکریپر	بلدوزر سنگین	بیل مکانیکی	غلطک	کامیون کمپرسی	تانکر	ماله‌سنگین و نهرکن	دوربین نقشه‌برداری	وسایط نقلیه سبک
۱۳۶۸	۳۰	۸	۱۶۶	۴۰	۷۵	۷۵	۱۵۰	۲۰۰	۷۵	۳۰۰
۱۳۶۹	۱۰	۲	۵۴	۱۰	۲۵	۲۵	۵۰	۸۰	۲۵	۱۰۰
۱۳۷۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۳۷۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۳۷۲	۱۰	۲	۳۰	۱۰	۲۵	۲۵	۵۰	۸۰	۲۵	۱۰۰
جمع	۵۰	۱۲	۲۵۰	۶۰	۱۲۵	۱۲۵	۲۵۰	۳۶۰	۱۲۵	۵۰۰

ذ: منبع ۵.

با عنایت به اینکه برنامه اول توسعه عملاً از سال ۱۳۶۹ شروع شد، حجم عملیات، میزان اعتبارات و تعداد ماشین‌آلات و تجهیزات موردنیاز، به گونه‌ای که در حجم عملیات، اعتبارات و تجهیزات کلی و موردنیاز طرح تغییری ایجاد ننماید، طبق آنچه در موافقتنامه‌های طرح آمده است، اصلاح گردید.

بررسی عملکرد طرح یکپارچه‌سازی طی برنامه اول توسعه

عدم یکپارچگی زمینهای کشاورزی و اقتصادی نبودن مساحت قطعات زراعی، موجب عدم امکان استفاده مطلوب از ماشین‌آلات در قطعات کوچک غیرهندسی و پراکنده، و به تبع آن، بالا رفتن هزینه‌های تولید به لحاظ افزایش هزینه‌های کارگری می‌شود؛ همچنین باعث اتلاف منابع آب و خاک، به سبب در مرز قرارگرفتن مقدار معتنابهی از زمینهای کشاورزی و فرسایش شدید و گردش آب در مسیر نهرهای پرپیچ و خم خاکی می‌گردد. اینها بخش کوچکی از مشکلات عظیم ناشی از مساحتهای کم و پراکندگی قطعات زراعی تحت مالکیت کشاورزان به شمار می‌رود.

به طوری که اشاره شد، در برنامه پنجساله اول، پیش‌بینی شده بود که تا سال ۱۳۷۲، سطحی در حدود یک میلیون هکتار تحت عملیات یکپارچه‌سازی زمینها قرارگیرد، عملیات اجرایی طرح، عبارت بود از:

- تهیه نقشه‌های مسطحه و توپوگرافی؛
- تهیه نقشه‌های جابه‌جایی؛
- انجام امور کارشناسی فنی و حقوقی؛
- انجام امور اجرایی، شامل صرف مرزها و تسطیح سطحی.

هزینه‌های اجرای کار در هر هکتار حدود ۶۰۰۰۰ ریال برآورد شده بود، با این امید که مبلغ ۳۶۰۰۰ ریال از محل درآمد عمومی (سهم دولت) و بقیه از منابع بانکی کم بهره و آورده مستقیم بهره‌برداران تأمین گردد.

در جدول ۶، عملکرد دوره چهار ساله طرح یکپارچه‌سازی اراضی، طی سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲، نسبت به تعهدات طرح، مورد مقایسه قرارگرفته است.

نظر به اینکه در تبصره ۸ قانون برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، هزینه کردن اعتبارات از محل وجوه دریافتی از مردم تحت عنوان خودیاری از شمول قانون محاسبات و سایر مقررات عمومی مستثنی شده بود، دسترسی به عملکرد قطعی این گونه اعتبارات میسر نگردیده است. بدین روی، در جدول ۶، فقط مقایسه پیش‌بینی و عملکرد اعتبارات دولتی صورت گرفته است. عملکرد فیزیکی طرح به تفکیک استان، عملکرد مالی به تفکیک سال و مواد هزینه در جدولهای ۷ تا ۱۰ آمده است.

جدول ۶. مقایسه عملکرد طرح یکپارچه‌سازی اراضی، طی سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ نسبت به تعهدات طرح

شرح	واحد	پیش‌بینی برنامه‌اول	موافقتنامه‌های مصوب*	عملکرد دوره*	مقایسه عملکرد نسبت به هدفهای کمی برنامه اول (درصد)	مقایسه عملکرد نسبت به هدفهای موافقتنامه‌های مصوب(درصد)
حجم عملیات	هزار هکتار	۱۰۰۰	۶۷۳	۴۶۳	۴۶/۳	۶۸/۸
اعتبارات دولتی (۶۰ درصد کل هزینه اجرا)	میلیون ریال	۳۶۰۰۰	۵۰۱۶۳	۴۴۷۱۸	۱۲۴/۲	۸۹/۱
هزینه در واحد سطح (اعتبار دولتی)	هزار ریال	۳۶	۷۴/۵	۹۶/۵	۲۶۸	۱۲۹/۵
ارز	میلیون دلار	۹۵/۱	۲۸/۳	۲۸	۲۹/۴	۹۸/۹

* با احتساب اعتبار مصوب از محل بند ۲۴ تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۱ کل کشور.
مآخذ: استخراج شده از منابع ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱.

علل عدم دسترسی به هدفهای برنامه

مهمترین مشکلات عنوان شده از طرف دستگاه اجرایی در مورد توجیه علل عدم دسترسی به هدفهای کمی برنامه، به شرح زیر است:

۱) عدم تخصیص کافی اعتبارات ارزی و تغییرات نرخ ارز
۲) عدم ابلاغ بموقع اعتبارات
۳) مشکل مشارکت مالی (خودیاری و تسهیلات بانکی) بخش غیردولتی
۴) تداخل عملیات اجرایی با زمان کاشت، داشت و برداشت محصول
۵) نبود یا عدم کارایی دستگاهها و عوامل نظارتی
۶) تعویض و جابه جایی مکرر مسئولان اجرایی

جدول ۷. هدف و عملکرد فیزیکی طرح یکپارچه‌سازی اراضی، طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ (برنامه اول)

(هکتار)

استان	هدف طرح در طول برنامه اول	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	عملکرد برنامه اول ۶۹-۷۲
آذربایجان شرقی	۵۱۰۰۰	-	۳۳۰۰	۲۱۷۰	۶۳۵	۱۰۵۰	۷۱۵۵
آذربایجان غربی	۴۹۰۰۰	-	۵۰۰	۱۴۵۰	۸۰۰	۹۹۵	۳۷۴۵
اصفهان	۳۶۰۰۰	-	۱۰۰۰	۱۰۰۵	۵۴۰	۱۰۰	۲۶۴۵
ایلام	۸۵۰۰	-	۳۰۰	۲۶۰	۶۰۰	۷۰	۱۲۳۰
کرمانشاه	۱۸۰۰۰	-	۲۰۰۰	۲۴۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۱۲۴۰۰
بوشهر	۸۵۰۰	-	۳۰۰	۴۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰۰	۲۹۰۰
تهران	۷۴۰۰۰	-	۱۰۰۰	۴۶۰۰	۴۰۳۰	۲۰۰	۹۸۳۰
چهارمحال و بختیاری	۴۳۰۰۰	-	۶۸۵۰	۱۲۳۰۰	۱۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۴۱۱۵۰
خراسان	۱۴۸۰۰۰	-	۱۵۰۰۰	۱۳۲۰۰	۱۲۲۰۵	۱۸۰۰۰	۵۸۴۰۵
خوزستان	۴۰۰۰۰	-	۲۷۰۰	۶۵۰۰	۹۲۵۰	۴۰۰۰	۲۲۴۵۰
زنجان	۱۷۰۰۰	-	۱۵۰	۴۰۰	۱۶۶۰	۸۰۰	۳۰۱۰
سمنان	۲۲۰۰۰	-	۵۰۰	۲۰۷۵	۱۴۵۰	۳۳۵۰	۶۸۸۰
سیستان و بلوچستان	۴۰۰۰۰	-	۸۶۰۰	۲۰۰۰۰	۱۹۵۰۰	۹۰۰۰	۵۷۱۰۰
فارس	۶۰۰۰۰	-	۸۵۰۰	۱۷۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۶۵۵۰۰
کردستان	۱۵۲۰۰	-	۴۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۵۰۰	۲۹۰۰
کرمان	۴۱۰۰۰	-	۲۰۰۰	۶۰۰۰	۷۰۰۰	۵۰۰۰	۲۰۰۰۰
کهکیلویه و بویراحمد	۶۷۰۰	-	۶۵۰	۵۵۰	۳۸۵	۵۰۰	۲۰۸۵
گیلان	۴۰۰۰	-	۲۲۰۰	۸۰۰	-	۱۲۰	۳۱۲۰
گرگان و گنبد	۳۳۰۰۰	-	۱۵۰۰	۶۰۰۰	۶۰۰۰	۴۵۵۰	۱۸۰۵۰
لرستان	۲۶۵۰۰	-	۶۰۰۰	۱۵۵۵۰	۱۲۲۶۵	۹۴۰۰	۴۳۲۱۵
مازندران	۱۹۰۰۰	-	۸۰۰	۳۰۰	۲۸۰	۱۵۰	۱۵۳۰
مرکزی	۱۰۶۵۰۰	-	۸۰۰۰	۱۱۸۳۰	۱۱۰۰۰	۷۰۰۰	۳۷۸۳۰
هرمزگان	۱۳۰۰۰	-	۵۰۰	۴۱۰	۳۰۰	۵۰۰	۱۷۱۰
همدان	۵۸۰۰۰	-	۴۰۰۰	۹۲۸۰	۶۰۰۰	۶۰۰۰	۲۵۲۸۰
یزد	۲۳۱۰۰	-	۱۳۰۰	۲۲۰۰	۱۹۰۰	۱۵۰۰	۱۶۹۰۰
جیرفت	-	-	۳۵۰	-	۵۰۰	۵۰۰	۱۳۵۰
قزوین	۴۰۰۰۰	-	۳۵۰	-	۵۰۰	۵۰۰	۱۳۵۰
جمع	۱۰۰۰۰۰۰	-	۸۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۱۳۴۵۰۰	۱۰۸۷۸۵	۴۶۳۲۸۵

مآخذ: استخراج شده از منابع ۹، ۱۰ و ۱۱.

جدول ۸. عملکرد فیزیکی و مالی طرح، طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۲

شرح / سال		۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	طی برنامه اول
حجم عملیات در اولین موافقتنامه طرح	هکتار	-	۱۵۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰
حجم عملیات مصوب سالیانه	هکتار	-	۱۵۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۲۳۰۰۰	۶۷۳۰۰۰
عملکرد فیزیکی	هکتار	-	۸۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۱۳۴۵۰۰	۱۰۸۷۸۵	۴۶۳۲۸۵
اعتبار مصوب دولتی در برنامه اول (اولین موافقتنامه)	هزار ریال	-	۵۴۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰	۱۰۸۰۰۰۰۰	۱۰۸۰۰۰۰۰	۳۶۰۰۰۰۰۰
اعتبار مصوب دولتی (اصلاحیه‌ها)	هزار ریال	-	۵۴۰۰۰۰۰	۷۲۰۰۰۰۰	۱۷۴۰۰۰۰۰	۲۰۱۶۳۰۰۰	۵۰۱۶۳۰۰۰
تخصیص اعتبار دولتی	هزار ریال	-	۵۰۰۰۰۰۰	۶۴۰۰۰۰۰	۱۵۶۷۲۰۰۰	۱۷۷۰۰۰۰۰	۴۴۷۷۲۰۰۰
هزینه دولتی کل	هزار ریال	-	۴۹۴۶۰۰۰	۶۴۰۰۰۰۰	۱۵۶۷۲۰۰۰	۱۷۷۰۰۰۰۰	۴۴۷۱۸۰۰۰
هزینه دولتی واحد عملیات	ریال	-	۶۱۸۲۵	۴۵۷۱۴	۱۱۶۵۲۰	۱۶۲۷۰۶	۹۶۵۲۳/۷

مآخذ: استخراج شده از منابع ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰.

جدول ۹. اعتبارات و عملکرد طرح یکپارچه‌سازی اراضی، به تفکیک مواد هزینه، طی سالهای برنامه اول توسعه

ارقام داخل پرانتز درصد مواد نسبت به کل هزینه دولتی (میلیون ریال)

مواد هزینه / عملیات (هکتار)	سال ۱۳۶۹		سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۷۱		سال ۱۳۷۲		سالهای برنامه ۱۳۷۲-۱۳۶۹		جمع کل در اولین موافقتنامه
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	
	۱۵۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۳۴۵۸۰	۱۲۳۰۰۰	۱۰۸۷۸۵	۶۷۳۰۰۰	۴۶۳۳۸۵	۱۰۰۰۰۰۰
۵	۶۱۰	۳۹۵	۹۰۰	۸۰۰	۱۰۰۰	۹۰۰	۱۴۰۰	۱۱۰۰	۳۹۱۰	۳۱۹۵	۷۲۰۰
	(۱۱/۳)	(۰/۱)	(۱۲/۵)	(۱۲/۵)	(۵/۷)	(۵/۷)	(۷)	(۶/۲)	(۷/۸)	(۷/۱۴)	(۲۰/۰)
۹	۶۸	۶۰	۷۰	۷۷	۱۱۰	۱۱۰	۵۰۰	۳۵۰	۷۴۸	۵۹۷	۷۲۰
	(۱/۳)	(۱/۱)	(۱)	(۱/۲)	(۰/۶)	(۰/۷)	(۲/۵)	(۲)	(۱/۵)	(۱/۳۳)	(۲)
۱۱	۱۲۳۲	۱۰۸۱	۲۰۹۰	۲۰۹۰	۱۰۳۸۰	۷۹۵۲	۹۷۶۳	۱۰۰۰۰	۲۳۶۶۵	۲۱۱۲۳	۱۷۲۹۸
	(۲۲/۸)	(۲۱/۹)	(۲۹)	(۳۲/۶)	(۵۹/۷)	(۵۰/۷)	(۴۸/۱)	(۵۶/۵)	(۴۶/۷)	(۴۷/۲۴)	(۲۸)
۱۲ و ۱۳	۲۸۵۰	۳۰۲۰	۳۲۰۰	۲۵۷۱	۴۴۰۰	۵۴۰۰	۷۰۰۰	۴۹۵۰	۱۷۴۵۰	۱۵۹۴۱	۵۰۷۶
	(۵۲/۸)	(۶۱/۱)	(۴۴/۴)	(۴۰/۲)	(۲۵/۳)	(۳۴/۵)	(۳۴/۷)	(۲۸)	(۳۴/۷)	(۳۵/۶۵)	(۱۴/۱)
۱۰	۳۸	۳۵	۴۰	۱۲	-	-	-	-	۷۸	۴۷	۱۰۲۶
	(۰/۷)	(۰/۷)	(۰/۶)	(۰/۲)	(۰/۰)	(۰/۰)	(۰/۰)	(۰/۰)	(۰/۱۵)	(۰/۱۱)	(۲/۹۰)
سایر مواد	۶۰۲	۳۵۵	۹۰۰	۸۵۰	۱۵۱۰	۱۳۱۰	۱۵۰۰	۱۳۰۰	۴۵۱۲	۳۸۱۵	۴۶۸۰
	(۱۱/۱)	(۷/۲)	(۱۲/۵)	(۱۳/۳)	(۸/۷)	(۸/۱)	(۷/۱)	(۷/۳)	(۹)	(۸/۵۳)	(۱۳)
جمع دولتی	۵۴۰۰	۴۹۴۶	۷۲۰۰	۶۴۰۰	۱۷۴۰۰	۱۵۶۷۲	۲۰۱۶۳	۱۷۷۰۰	۵۰۱۶۳	۴۴۷۱۸	۳۶۰۰۰
	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)	(۱۰۰)
سایر منابع	۳۶۰۰	-	۴۸۰۰	-	۹۶۰۰	-	۱۳۴۴۲	-	۳۱۴۴۲	-	۲۴۰۰۰
جمع کل	۹۰۰۰	-	۱۲۰۰۰	-	۲۷۰۰۰	-	۳۳۶۰۵	-	۸۱۶۰۵	-	۶۰۰۰۰
دولتی بدون مواد ۱۲ و ۱۳	۶۱۵۰	۱۹۲۶۰	۸۸۰۰	۳۸۲۹	۱۳۰۰۰	۱۰۲۷۲	۱۳۱۶۳	-	۳۲۷۱۳	۲۸۷۷۷	۳۰۹۲۴

* با احتساب اعتبارات بند ۲۴ تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۱.

مآخذ: استخراج شده از منابع ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰.

جدول ۱۰. عملکرد مالی طرح یکپارچه‌سازی اراضی، به تفکیک مواد هزینه در واحد سطح، طی سالهای برنامه اول توسعه

(ریال)

مواد هزینه / عملیات (هکتار)	سال ۱۳۶۹		سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۷۱		سال ۱۳۷۲		سالهای برنامه ۱۳۷۲-۱۳۶۹		در اولین موافقتنامه طرح	نسبت عملکرد به مصوب برنامه اول
	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد	مصوب	عملکرد		
	۱۵۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۳۴۵۰۰	۱۲۳۰۰۰	۱۰۸۷۸۵	۶۷۳۰۰۰	۴۴۳۲۸۵		
۵	۴۰۶۷	۴۹۳۷/۵	۴۵۰۰	۵۷۱۴/۳	۵۰۰۰	۶۶۹۱	۱۱۳۸۲	۱۰۱۱۲	۵۸۰۹/۸	۶۸۹۶/۰	۷۲۰۰	۰/۹۶
۹	۴۵۳	۷۵۰	۳۵۰	۵۵۰	۵۵۰	۸۱۸	۴۰۶۵	۳۲۱۷	۱۱۱۱/۴	۱۲۸۹	۷۲۰	۱/۷۹
۱۱	۸۲۱۵	۱۳۵۱۲/۵	۱۰۴۵۰	۱۴۹۲۸/۵	۵۱۹۰۰	۵۹۱۲۳	۷۹۳۷۴	۹۱۹۲۴	۳۴۸۶۶/۳	۴۵۹۹۴	۱۷۲۹۸	۲/۶۴
۱۲ و ۱۳	۱۹۰۰۰	۳۷۷۵۰	۱۶۰۰۰	۱۸۳۵۷/۴	۲۲۰۰۰	۴۰۱۴۹	۵۶۹۱۱	۴۵۵۰۳	۲۵۹۲۸/۷	۳۴۴۰۹	۵۰۷۶	۶/۷۸
۱۰	۲۵۳	۴۳۷/۵	۲۰۰	۸۵/۷	-	-	-	-	۱۱۵/۹	۱۰۱	۱۰۲۶	۰/۱
سایر مواد	۴۰۱۲	۴۴۳۷/۵	۴۵۰۰	۶۰۷۱/۴	۷۵۵۰	۹۷۴۰	۱۲۱۹۵	۱۱۹۵۰	۶۷۰۴/۳	۸۲۳۵/۷	۴۶۸۰	۱/۷۶
جمع دولتی	۳۶۰۰۰	۶۱۸۲۵	۳۶۰۰۰	۴۵۷۱۴/۳	۸۷۰۰۰	۱۱۶۵۲۰	۱۶۳۹۲۷	۱۶۲۷۰۶	۷۴۵۳۶/۴	۹۶۵۲۳/۷	۳۶۰۰۰	۲/۶۸
سایر منابع	۲۴۰۰۰	-	۲۴۰۰۰	-	۴۸۰۰۰	-	۱۰۹۲۸۴	-	۴۶۷۱۹/۲	-	۲۴۰۰۰	
جمع کل	۶۰۰۰۰	-	۶۰۰۰۰	-	۱۲۰۰۰۰	-	۲۷۳۲۱۱	-	۱۲۱۲۵۵/۶	-	۶۰۰۰۰	-
دولتی بدون مواد ۱۲ و ۱۳	۲۷۷۸۵	۲۴۰۷۵	۲۰۰۰۰	۲۷۳۵۶/۹	۵۰۰۰۰	۷۳۳۲۳	۱۰۷۰۱۶	۱۱۷۲۰۳	۴۸۶۰۷/۷	۶۲۱۱۴/۷	۳۰۹۲۴	۲/۰۱

* با احتساب اعتبارات بند ۲۴ تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۱.

مآخذ: استخراج شده از منابع ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰.

۷) عدم استقبال پیمانکاران، به دلیل شرایط خاص کار
۸) کمبود نیروی انسانی متخصص و مشکل امکان جذب نیرو
۹) ضعف موجود در شیوه تأمین امکانات و ماشین‌آلات
۱۰) عدم همخوانی بین هدفهای کمی برنامه با ظرفیت و توان اجرایی واقعی کشور.

تحلیل کارشناسی طرح "یکپارچه‌سازی اراضی" اجرا شده در طول سالهای برنامه اول توسعه

بررسی طرح یکپارچه‌سازی اراضی که در طول سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲، به صورت طرحی ملی، توسط وزارت کشاورزی به اجرا درآمد، بیانگر این واقعیت است که عملیات اجرایی طرح، به شیوه موردنظر در برنامه اول توسعه، پایه درست و عملی نداشته است، و در اجرای آن، به این امر مهم و بدیهی که اصولاً پس از برداشت مرزها و یکپارچه شدن ظاهری قطعات کوچک و پراکنده، بدون انجام عملیات زیربنایی آب و خاک، از قبیل تسطیح اصولی و علمی زمینها، احداث کانال و جاده جدید (متناسب با وضعیت جدید)، بهره‌برداری از زمینها دشوارتر یا غیرممکن خواهد شد، و در نتیجه، کشاورزان پس از مدتی دست و پنجه نرم کردن با مشکلات جدید، به ناچار مجبور به بازگردانیدن قطعات به شکل سابق می‌شوند، توجهی نشده بود، لیکن پس از گذشت مدتی از اجرای طرح، دست‌اندرکاران اجرایی، متوجه کاستیهای روش مذکور شدند، به طوری که در عمل، به منظور اجرای اصولی کار و مصرف بهینه اعتبارات، ترکیبی از عملیات طرحهای یکپارچه‌سازی زمینها، تجهیز و نوسازی زمینها و پوشش نهرهای موجود را پیاده و اجرا نمودند. بدین ترتیب، با الهام گرفتن از نتایج مثبت شیوه جدید، روش پیش‌بینی شده در برنامه اول اصلاح گردید.

با پایان گرفتن برنامه اول در سال ۱۳۷۲ و آغاز سال ۱۳۷۳ که قرار بود به عنوان سال اول برنامه دوم تلقی گردد، بنا بر دلایلی که گفته شد، طرح یکپارچه‌سازی اراضی، با شکل تعریف شده در برنامه اول حذف گردید و قرار بر این شد که در تجمیع زمینهای کوچک و پراکنده کشاورزی، به همان شیوه‌ای که در دیگر کشورها (بنابر تعریف و مفهوم واقعی یکپارچه‌سازی اراضی) معمول است عمل شود، تا احتمال بازگشت به آرایش اولیه زمینهای کشاورزی، تا حد امکان، کاهش یابد. بدین منظور، فعالیتهای مرتبط با یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی، به عنوان پیش‌نیاز طرحهای تجهیز و نوسازی زمینهای آبی کشور در بهره‌برداریهای دهقانی تلقی گردید و در زمره فعالیتهای طرحهای مذکور در آمد. به همین منظور، از سال ۱۳۷۳ به بعد، طرح "تجهیز و نوسازی اراضی

سنتی" که به صورت استانی اجرا می‌گردید، به طرحی با عنوان "یکپارچه‌سازی و تجهیز و نوسازی اراضی سنتی" که ترکیبی از طرحهای یادشده است، تغییر یافت و هم اکنون با همین نام در حال اجراست.

اگر ارقام مالی طرح طی سالهای برنامه اول توسعه را بررسی کنیم، به موارد زیر بر می‌خوریم:

- با صرف ۲۴/۲ درصد بیش از کل اعتبار دولتی پیش‌بینی شده برای اجرای کامل طرح، ۴۶/۳ درصد از کل هدفهای کمی برنامه اول محقق شده است، زیرا متوسط هزینه واحد عملیات به حدود ۲/۷ برابر میزان برآوردی برنامه اول توسعه فزونی یافته است.

- از طرفی، مقایسه هزینه‌های دولتی طرح با هزینه‌های پیش‌بینی شده در موافقتنامه و اصلاحیه‌های سنواتی آن، حاکی از آن است که متوسط هزینه در هر هکتار ۳۰ درصد بیشتر از میزان تعیین شده سالانه می‌باشد، و همین امر، سبب شده است که با صرف ۸۹ درصد اعتبارات دولتی مصوب سالانه، حدود ۶۸/۸ درصد از هدفهای کمی مصوب طرح، طی این سالها به اجرا درآید.

- بیشترین افزایش، در مواد هزینه ۱۲ و ۱۳ مشاهده می‌شود که مربوط به خرید ماشین‌آلات و تجهیزات نقشه‌برداری می‌باشند.

اختلاف بین عملکرد طرح یکپارچه‌سازی اراضی و هدفهای آن در برنامه اول را می‌توان به طور کلی ناشی از علل زیر دانست:

- تغییر روش اجرایی و فزونی یافتن هزینه‌های آن درنتیجه تغییر روش

- عدم استقبال بهره‌برداران در تأمین منابع مالی لازم برای اجرای طرح، چه به صورت آورده مستقیم و چه از محل منابع بانکی

- افزایش نرخ تسعیر ارز، طی سالهای برنامه اول توسعه

- عدم توجه به مسئله بسیار مهمتر از فیزیکی و پیامدهای ناشی از آن، به بیان دیگر، عدم توازن منطقی بین ظرفیتها و توان اجرایی با هدفهای در نظر گرفته شده برای اجرا در طول سالهای برنامه اول توسعه.

نتیجه گیری و پیشنهاد

در یک نتیجه گیری کلی می‌توان گفت که پراکندگی زمین و کوچکی قطعات تحت بهره‌برداری

کشاورزان در بهره‌برداریهای دهقانی، مشکلات و تنگناهایی در کشت و کار و روابط اجتماعی در جامعه روستایی کشور پدید آورده است، به طوری که در وضعیت کنونی به عنوان مانعی اساسی در توسعه کشاورزی جامعه روستایی به شمار می‌رود. راه حل اساسی برای رفع این گونه مشکلات، صرفاً از طریق یکپارچه نمودن قطعات متفرق و پراکنده تحت بهره‌برداری زارعان (نسق زراعی) توأم با اجرای عملیات زیربنایی آب و خاک برای کاهش تفاوت کیفیت زمینها در این گونه بهره‌برداریها میسر است. اجرای چنین عملیاتی بی‌تردید نویدبخش تغییر اصولی و بنیادی در ساختار کشاورزی و دیدگاه کشاورزان خواهد بود.

با اجرای این اصل مهم، تلفات آب، زمین، نیروی کار، بذر و دیگر عوامل تولید، به میزان چشمگیری کاهش می‌یابد، روابط اجتماعی تولید به صورت رضایتبخشی اصلاح می‌شود، اختلاف و درگیریهای ناشی از پراکندگی زمینها به پایان می‌رسد، و به طورکلی، زمینه‌های بیشتر و مناسبتری برای فعالیتهای کشاورزی و بالأخره سودآوری بخش فراهم می‌آید، و در عین حال، شرایط برای سرمایه گذاری بیشتر در فعالیتهای کشاورزی که عموماً همراه با استفاده از دستاوردهای علمی و فنی هستند، مهیا می‌گردد.

خوشبختانه امروزه، یکپارچه‌سازی و تجهیز و نوسازی زمینهای آبی کشور، به عنوان یک نیاز واقعی در جامعه روستایی، کم و بیش شناخته شده و در حال گسترش است. جهت این حرکت در وضعیت کنونی نیز به میزان بسیاری، تحت تأثیر سیاستها و برنامه‌های دولت قرار دارد. بنابراین، به‌منظور ادامه و اشاعه هر چه بیشتر و سریعتر این حرکت ساختاری، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌نماییم.

- به منظور شناساندن هر چه بیشتر طرح یکپارچه‌سازی و تجهیز و نوسازی اراضی آبی کشور به کشاورزان، از رسانه‌های گروهی، خاصه صدا و سیما، کمک گرفته شود، و از این طریق، دستاوردها و فواید چنین طرحی به آگاهی آنها برسد.

- سازمان تحقیقات و ترویج کشاورزی، در زمینه شناخت و آگاهی دادن به کشاورزان در مورد مزیتهای چنین طرحی کوشش بیشتری مبذول دارد و با برگزاری دوره‌های آموزشی، زمینه تحول فرهنگی، و در عین حال، مشارکت مالی آنها را در اجرای طرح فراهم آورد.

- در تخصیص منابع، ضمن رعایت "تراز فیزیکی"، اولویت خاصی به این طرح داده شود.

- اجرای طرح در هر محل براساس بررسیها و مطالعات اصولی و با توجه به جمیع عوامل مؤثر

در حفظ زمینهای یکپارچه شده و با رعایت حد بهینه بهره‌برداری صورت گیرد.

- دولت و مجلس با وضع قانون در جهت رفع موانع حقوقی مربوط به مالکیت زمینها، به ویژه خرید و فروش و معاوضه قطعات به نحوی که منجر به یکپارچه‌سازی هر چه بیشتر زمینهای کشاورزی شود، تلاش نمایند و همچنین با وضع مقررات خاص از پراکندگی مجدد زمینها جلوگیری کنند.

- سهم مالی متقاضیان در اجرای طرح، از طریق تسهیلات و اعتبارات بانکی کم بهره تأمین گردد، بدین روی، ضرورت دارد که همه ساله چنین اعتباراتی در تبصره‌ای خاص در قوانین بودجه سنواتی منظور شود.

- شبکه بانکی کشور، به عنوان تأمین کننده سهم بهره‌بردار در اجرای طرح، به هنگام ارائه تسهیلات به متقاضیان، ضمن برخوردی شایسته در حد مقدورات انجام امور را تسهیل نماید و چگونگی ارائه تسهیلات برای اجرای طرح را از طریق وسایل ارتباط جمعی به اطلاع کشاورزان برساند.

- در تأمین نهاده‌های کشاورزی، اولویت به زمینهای یکپارچه شده داده شود.

منابع

۱. وزارت کشاورزی، اداره کل مهندسی زراعی (۱۳۶۷). روند رشد بخش کشاورزی و یکپارچه‌شدن اراضی در ایران با نگاهی به کشورهای مختلف. سمینار بررسی مسائل آب و خاک کشور، آبانماه ۱۳۶۷.

۲. ـــــــ (۱۳۶۷). یکپارچه‌سازی اراضی. سمینار بررسی مسائل آب و خاک کشور، آبانماه ۱۳۶۷.

۳. عموزاده عمرانی، رحیم (۱۳۷۲). گزارش بازدید از یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در کشور ژاپن. سازمان برنامه و بودجه مازندران.

۴. یکپارچه‌سازی اراضی و توسعه کشاورزی در ایران (۱۳۷۵). اقتصاد کشاورزی و توسعه ۴ (۱۳).

۵. شورای برنامه‌ریزی کشاورزی و آب، کمیته برنامه‌ریزی کشاورزی (۱۳۶۸). برنامه پنجساله بخش کشاورزی کتاب آب و خاک.

۶. گزارش عملکرد طرحهای عمرانی اداره کل مهندسی زراعی در سال ۱۳۶۹.

۷. وزارت کشاورزی، معاونت آب و خاک (۱۳۷۱). گزارش عملکرد طرحهای عمرانی ملی، زیربخش آب و خاک در سال ۱۳۷۰.

۸. وزارت کشاورزی، معاونت امور زیربنایی (۱۳۷۲). گزارش عملکرد طرحهای عمرانی ملی - استانی، زیر بخش آب و خاک در سال ۱۳۷۱.

۹. ـــــــ (۱۳۷۳). گزارش عملکرد طرحهای عمرانی ملی - استانی، زیربخش آب و خاک در سال ۱۳۷۲.

۱۰. موافقتنامه و اصلاحیه‌های طرح یکپارچه‌سازی اراضی، به شماره ۴۰۱۰۱۳۰۹، طی سالهای ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۲.

۱۱. وزارت کشاورزی، معاونت امور زیربنایی (۱۳۷۲). گزارش بررسی وضعیت گذشته و موجود - برنامه عمرانی ۵ ساله دوم، زیر بخش آب و خاک.